



پل اصفهان

یک عاشقانه‌ی ایرانی

نیلا کام‌کوک

ویرایش و نشر: کوک

ترجمه: شادی حاجی‌آباد

وضعیت نمایه سازی	:	فایا
شماره کتابشناسی ملی	:	۳۹۷۰۹۹۵
شابک	:	۹۷۸-۶۰۰-۸۰۰۹-۲۴-۵
عنوان و نام پدیدآور	:	پل اصفهان [منابع الکترونیکی: کتاب]/ نویسنده نیلا کوک، مترجم شادی حامدی آزاد.
وضعیت نشر	:	تهران: موسسه نگارش الکترونیک کتاب، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	:	۱ منبع برخط (۲۸۱ ص.)
یادداشت	:	دسترسی از طریق وب.
یادداشت	:	The bridge of Isfahan a Persian love story: عنوان اصلی
توصیفگر	:	دستگاه های نگارشی
	:	قرن ۲۰ م.
شناسه اثر	:	کوک، نیلا کرم، ۱۹۰۸ - ۱۹۸۲ م. Cook, Nilla Cram
	:	حامدی آزاد، شادی، ۱۳۵۹ - مترجم
دسترسی و محل الکترونیکی	:	www.manaketab.com

پل اصفهان

نویسنده: نیلا کوک

مترجم: شادی حامدی آزاد

ناشر: موسسه نگارش الکترونیک کتاب

آدرس: فرمانیه، کامرانیه جنوبی، کوچه پست، ۲۵۰.

تلفن: ۲۲۲۹۲۴۴۹

قیمت: ۱۷۰۰۰۰

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۵

تیراژ: ۱۰۰

شماره ثبت: ۱۳۹۴۲۳۸

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۰۰۹-۲۴-۵

www.manaketab.com

پیش‌گفتار

نیلا کرم‌کوک^۱، مادر بزرگ پدری‌ام، در سال ۱۹۰۸ در دِون پورت آیوا^۲ متولد شد. پدرش جرج کرم‌کوک^۳ - نوه‌ی نماینده‌ی کنگره‌ی ایالات متحده، آیرا کوک^۴، و نسل هفتم تامس فرانکلین^۵، پدر بزرگ بنجامین فرانکلین^۶ - بود و مادرش مالی رایس^۷ نویسنده و مؤسس یک مدرسه و از حامیان حق رأی برای زنان. نیلا از نوجوانی در معرض فرهنگ‌های دیگر بود. پس از این‌که پدرش و همسر دوم او، یعنی نامادری نیلا، سوزان گلسپیل^۸، تئاتر پروینس‌تاون پلیرز^۹ را در ایالت ماساچوست آمریکا تأسیس کردند، به همراه نیلا رهسپار یونان شدند.

در یونان، نیلا رباب یونان باستان و مدرن را فراگرفت و به دوباره پاگرفتن جشنواره‌های دلفی^{۱۰} کمک کرد. در سال ۱۹۲۶ با نیکوس پروینستوپولوس^{۱۱} ازدواج کرد و پدرم، سیریوس^{۱۲}، را به آمریکا آورد. بعد جدا شد و با سیریوس چهار ساله رهسپار

1- Nilla Cram Cook

2- Davenport, Iowa

3- George Cram Cook (1873-1924)

4- Ira Cook (1821-1902)

5- Thomas Franklin

6- Benjamin Franklin (1706-1790)

7- Mollie Price

8- Susan Glaspell (1865-1948)

9- Provincetown Players Theatre

۱۰- جشنواره‌هایی که در یونان باستان هر چهار سال یک‌بار برگزار می‌شدند و شامل اجراها، نمایشگاه‌ها، و مسابقه‌هایی در هر شش هنر بودند. بعدها در دهه‌ی ۱۹۲۰ میلادی این جشنواره‌ها برای مدتی احیا شدند. امروز هم به‌نوعی دیگر برگزار می‌وند و هنرمندانی از کشورهای مختلف در آن شرکت دارند.

11- Nikos Proestopoulou

12- Sirius

هند شد. نیلا استعداد خارق العاده‌ای در یادگیری و فهم زبان‌ها و فرهنگ‌های دیگر داشت. در هند، به مریدان گاندی پیوست و چنان در زبان سانسکریت و متون ودایی استاد شد که او را هندو می‌پنداشتند.

در ملاقاتم با روزنامه‌نگاری هندی، که زندگی نیلا را دستمایه‌ی نوشتن کتابی کرده بود، به او گفتم علی‌رغم اینکه او هم نیلا را هندو می‌پندارد، مادر بزرگم زمانی پیش از مرگش به پدرم گفته بود که مسلمان شده است. لازم به گفتن نیست که روزنامه‌نگار هندی حرفم را باور نکرد؛ هرچند، ترجمه‌ی مادر بزرگم از قرآن در سال ۱۹۴۵ ثبت رفته‌مندی او به اسلام است.

اگر بگریم نیلا مسلمانی بسیار پایمند شده بود، اغراق است؛ ولی او بی‌نهایت به فرهنگ ایرانی-ایرانی‌ای علاقه‌مند و مشتاق بود. در دهه‌ی ۱۹۴۰، که نیلا در مقام وابسته‌ی فرهنگی وزارت آفریقا در ایران خدمت می‌کرد، حکومت پهلوی او را به سیمت «مأمور ممیزی سر و سر» منصوب کرد. او ارزش فوق‌العاده‌ای برای فرهنگ و رقص ایرانی قائل بود و به کمک آن، مهم‌ترین رقصنده‌های ایرانی، آیدا و نژاد احمدزاده، که اکنون در انگلستان زندگی می‌کنند، گروه رقصی را در ایران پایه‌گذاری کرد.

وقتی از آیدا درباره‌ی احتمال مسلمان شدن نیلا پرسیدم، او به این نکته اشاره کرد که نیلا فردی آزاداندیش و بسیار علاقه‌مند به دین بود؛ ولی خودش را به آن محدود نمی‌کرد. تحلیل من، براساس زندگی و علاقه‌ها، این است که نیلا در معنویت رویکردی به‌گزینه داشت. آخرین باری که او را دیدم، در اوایل دوران نوجوانی‌ام بود. در جایی که زندگی می‌کرد، نرخی^{۱۳}، نزدیک آیدام^{۱۴} در جنوب اسپانیا، به دیدنش رفتم. متأسفانه، جوان‌تر از آن بودم که هرآنچه را که او من عرضه می‌کرد بفهمم و قدر بدانم. هنوز تمایلات معنوی کافی نداشتم که درباره‌ی باورهاش پرس‌وجو کنم. بعدها، وقتی مشغول گذراندن دوره‌ی تابستانی^{۱۵} در

13- Nerja

14- Malaga

برین مار^{۱۵} در آوینیون^{۱۶} فرانسه بودم، والدینم آمدند و مرا به اتریش بردند؛ جایی که نیلا آن زمان زندگی می کرد، ولی او دیگر نمی خواست یا نمی توانست ما را ملاقات کند.

کتاب *پل اصفهان*، که نیلا آن را زمانی در دهه ی ۱۹۴۰ میلادی، دوران زندگی اش در ایران، نوشته، اوج احترام او برای فرهنگ ایرانی و همچنین داستان عاشقانه ای واقعاً سرگرم کننده و پُر تعلیق است. او کمی پس از نوشتن این داستان، دست نوشته اش را برای دوستی فرستاد تا برای انتشار آماده اش کند. متأسفانه، دوستش کمی پس از دریافت دست نوشته از دنیا رفت. دست نوشته دیگر دست نبرد و تلاشی برای یافتن ناشر انجام نشد. این اتفاق فقدانیه بوده برای همه ی سانی که به این ترتیب فرصت خواندن این داستان را تا به امروز از دست داده اند. و حالا من به کمال افتخار خوشحالم که می بینم سرانجام رمان نیلا آماده ی انتشار برای عموم مردم شده است.

به همین سبب، مدتی به یادش های اخیر مادرم، ولنتینا کوک^{۱۷}، هستم. همچنین بسیار سپاسگزار همکاری واهر، دایانا دیپرت^{۱۸}، و دیگری ام که انتشار این کتاب را ممکن کردند. شاید انتشار *پل اصفهان* در این زمان خیلی هم به هنگام باشد؛ در زمانه ای که به سبب برخی شرایط سیاسی در ایران، بسیاری از مردم غرب از غنا و زیبایی و پیچیدگی فرهنگ ایرانی ناآگاهند. آرزوی نیلا بود که این عاشقانه ی شگرف ایرانی، که او دوستش می داشت، برای خوانندگانش در اختیار همه باشد.

آریادنی (اری) کوک لوری^{۱۹}

۱۵- کالج علوم مقدماتی برین مار (Bryn Mawr College) در ایالت پنسیلوانیای آمریکا واقع شده.

16- Avignon

17- Valentina Cook

18- Diana Dippert

19- Ariadne (Ary) Cook Lourie

شجره‌نامه‌ی خانوادگی



تاریخچه‌ی مختصر اصفهان

در سال ۱۵۹۸ میلادی (۱۰۱۷ هجری قمری)، شاه عباس بزرگ پایتخت ایران را به شهر زیبا و مهم اصفهان منتقل کرد. این شهر بزرگ‌ترین میدان را در میان شهرهای دنیا داشت. فقط میدان سرخ روس‌ها را می‌شد با آن مقایسه کرد. پیرامون معماری کلیسای جامع سنت باسیل یا مقبره‌ی لنین را به عظمت دو مسجد واقعی در میدان اصفهان نمی‌پنداشتند. این شهر یکی از زیباترین خیابان‌های جهان را داشته و دو پل، که یکی‌شان زیر نظارت شاه‌عباس ساخته شده بود.